

به گزارش ایسنا، «گاردین» نوشت: «آنتونی هورویتس» نویسنده انگلیسی مجموعهٔ «مان‌های» (الکس رایدر» در مصاحبه اخیر خود گفته که چون خودش سفیدپوست است، به او توصیه شده است به شخصیت‌های داستانی سیاه‌پوست نیر دازد. «هورویتس» ادامه داد: اگر این افکار را تا انتها ادامه دهم، به این نتیجه می‌رسم که مجبورم تنها دربارۀ شخصیت‌های مرد سفیدپوست ۶۲ ساله و پهلوی که در لندن زندگی می‌کند، بنویسم.

### ناگهان شعر

## امروز باسعید عندلیب

باتابش بامداد بر چشمانت
آیینۀ سلام داد بر چشمانت
امروز نگاه عاشقم خواهد خواند
صد مرتبه ‘آن یکا’ بر چشمانت

تا پویک دل از تو خبر می آرد
در هگنرت بهار گل می کارد
هر صبح به احترام شمشاد قندت
سوزا سر خود کلاه بر می دارد

تب می چکد از سقف غم انگیز دلم
هی چکه کند کلیه پاییز دلم
ترسم که سونامی نگاهت بکند
بنیان شکوه قصر برهیز دلم

تب، فاصله، تقدیر تو، نقطه، سر خط
بر خور دمن، آژیر، تو، نقطه، سر خط
دل بر دن تو، شکست پر هیز، آ، ی، وای
شب، فاجعه، تقصیر تو، نقطه، سر خط

از نای تو یک نفر در من مانده
یک نغمه بی صفر در من مانده
از قصه با شکوه پاییز فقط
یک باغ آغ پیر در من مانده

این مرد سپید موی شاعر با تو
در جاده بیدلی مسافر با تو
هر روز عبور می کنده از ذهنش
یک فوج پر نده مهاجر با تو

یک حرکت زبینه و در خور نکنند
خالی نشوند تا تو را پر نکنند
از پانشینند به جانت سوگند!
تانا ن تورا دوباره آجر نکنند

چون چشمه به کوهسار بر می گریدیم
سرسار جوی آبشار بر می گریدیم
با هجمه پاییزی غم گر رفتیم
با قاصد ک بهار بر می گریدیم

بوی توبه هر کوچه کشانده است مرا
از راه دوبای خسته مانده است مرا
ای کاش یکی پنجره را باز کند
یک حنجره او از نخودانده است مرا

برایت از دقایق می نویسم
وازل گل های عاشق می نویسم
دوبیتی های چشم شاعر ترا
به گلبرگ شقایق می نویسم

نگاه آسمون بر ناز چشمت
ستاره، شعر همبرواز چشمت
دل دوشیزه مهتاب شرم
همیشه گوش بر آواز چشمت

بیا خو کن به فر هنگ دوبیتی
دلم تنگ است، دلتنگ دوبیتی
به جای نغمه ‘چارانه’ این بار
صدایم کن به آهنگ دوبیتی

عسل دادی، بنوشان نیش را هم
بران از چشم خود تشویش را هم
ازاین مردم، گل پوشیده رویم!
پوشان چشم های خویش را هم

مقدارینه عاشق، بیدیاره
فلک که با کسی شوخی نداره
شبی که چتر من مهر پرتو شابه
بگو تا صبح، ابرغم، بیاره

بخوان ما را به گلریزان
به گلریزان اصفهان چشمش
سرد زنده رود چشم هایم
نثار چرم ایران چشمش

شبی بر خوان چشمش دعوت کن
به نخلستان چشمش دعوت کن
دل من از خراب غم، گرفته
به آبادان چشمش دعوت کن

غزل های هزاران در نگاهت
دوبیتی های باران در نگاهت
بهاران نجات چشم هایت
شکوه برگریزان در نگاهت

نشسته موج تو در لای دل
جوغم در ساحل بی تابی دل
به قوی بر که مهتابی شب
حسودی می کند مرغابی دل

سراید هق هق آواز شرم
سرود حافظ شیراز شرم
کیوتر های غمگین نگاهم
شده امروز همبرواز شرم

دمیدی ناگهان در هگن دارم
گذشتی مثل شاهین از کنارم
دلم می خواست برگردم بگویم
تورا مثل همیشه دوست دارم

نستیم زیر باران گریه کردم
شبیه سوگواران گریه کردم
تمام شهر آدم ندیدم
برای مرگ انسان گریه کردم

### تصویر یک عکاس از خر مشهر قهرمان

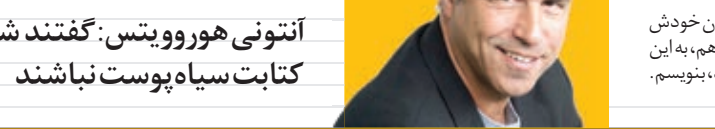
## خر مشهر وموزاییک هایی که جا ماند

جاسم غضبان پور، عکاس خر مشهری که از سال های جنگ تا امروز از شهرش و مردمش عکاسی کرده است، ضمن رونمایی از چند عکس دیده نشده اش درباره دغدغه هایش صحبت کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، جاسم غضبان پور از آن دسته عکاسان فعالی است که کارش را در عکاسی از دوره دفاع مقدس آغاز کرده و به دلیل اینکه اهل خر مشهر است، بیش از دیگر عکاسان طی سال های متعددی از این شهر در آرشبوخ عکس دارد.

۲ سال پیش در همین روزها او تابلویی را به ابعاد ۴ متر در ۴۰ متر آماده کرد تا بتواند عکس رزمندگان دوره دفاع مقدس در خر مشهر را در آن یگتجانده و آن تابلو این روزها در خر مشهر در معرض دید عموم است. او همچنین چاپ کتاب های متعددی را در کارنامه خود دارد که از جمله کتاب «شکوه خوزستان» است. او یکی از عکاسانی است که در نتیجه اش، از آزادسازی خر مشهر و روند بازسازی این شهر تا به امروز، عکس های متعددی پیدای شود.

این عکاس در پاسخ به این سوال که این روزها پروژه جدیدی در دست دارد یا نه گفت: طبق معمول اگر بخواهم از پروژه هایم بگویم باید از گلابه هایم و قدرشناسی های سیستم دولتی بگویم. اگر بخواهم کاری برای استان خوزستان یا در حوزه کشوری انجام دهم، بعد از چاپ بیش از ۳۰ جلد کتاب و برپایی نمایشگاه های متعدد، همچنان باید دنبال پول قرار دها بدم و این مرا خسته کرده است. وی همچنین با اشاره به داستان اصل کتاب «شکوه خوزستان» بیان کرد: اصل اهواز دید و فرش شد آن را بخرد و من چهار سال برای دریافت پول آن دویدم و در نهایت شبانه عزیزان دلال ناصر خسرو را صدازدم که بیایند تا بتوانم برای پاس کردن چک هایم تمام ادوات عکاسی ام را به زیر قیمت به آنها بفروشم. یکی از دلایلی که همان زمان فروختم تا همین امروز نتوانستم دوباره بخرم چون بسیار گران شد. این عکاس با اشاره به آماده سازی تابلوی بزرگ رزمندگان خر مشهر نیز اظهار کرد: کل قرار داد آماده سازی آن



### آنتونی هوروویتس: گفتند شخصیت های

#### کتابت سیاه پوست نبا شد

که با این افراد مصاحبه هم شده است. از سال ۵۷ برای این پروژه از جیب هزینه کرده ام ولی دیگر برای ارائه اش توان مالی ندارم. غضبان پور همچنین با بیان اینکه عکس هایی دارد که در آن از یک زاویه مشخص در طول سال های متعددی از خر مشهر عکاسی کرده است نیز گفت: من خر مشهری هستم و وظیفه خودم می دانم با زبان تصویر درباره شهرم و مردمش حرف بزنم. اگر چه هر کس مرا می بیند این همه عکس های تو چه فایده ای به حال ما دارد؟ و من متأسفانه جایی برایشان ندارم ولی با این همه باز هم به عکاسی ادامه می دهم.

این عکاس همچنین گفت: دوست دارم در این فرصت یادای کنم از زنده یاد بهمن جلالی که شاید دویا سه بار به جبهه برای عکاسی رفت اما سهمی که او در عکاسی دفاع مقدس و تربیت نسل ما داشت، بسیار مهم است. ما هر وقت به جبهه می رفتیم با آرشبو عکس هایمان نزد او در دفتر سروش می رفتیم و او با حوصله همه عکس ها را می دید و ما را راهنمایی می کرد و پشت عکس هایمان یادداشت می نوشت. او در هدایت یک نسل از عکاسان سهم عمده ای داشت. غضبان پور همچنین از مجموعه عکسی در آرشبو خود خبر داد که تا به حال نمونه ای از آن را جایی ارائه نداده است. وی درباره این عکس ها گفت: این دو عکس متعلق به مجموعه ای

است که از خرداد ۶۱ عکاسی آن را شروع کردم و تا سال ۷۴ این عکاسی ادامه داشت. داستان از این قرار است که عراق در مدت ۱۸ ماه اشغال شهر خر مشهر، اقدام به صاف کردن بخش وسیعی از شهر کرد و حتی خاک خانه ها را هم برای ساخت خاکریز و سنگر هایش برد و وقتی مردم به شهر بازگشتند امکان پیدا کردن خانه هایشان را نداشتند. وی در پایان گفت: اینجا خر مشهر، شهر من، محله و خانه من، قبل این گونه نبود. بیابان نبود. خانه های عمه و خاله و فامیلم بود. مردم شهر بعد از جنگ برای پیدا کردن خانه هایشان از روی موزاییک های کف حیاط و اتاق ها به شناسایی و پیدا کردن آنها می پرداختند و این مجموعه عکس های من به تلاش مردم برای پیدا کردن منزلشان می پردازد.

تابلو ۱۱ میلیون تومان بود که فقط دستمزد گرافیس‌ت کار ۴ تا ۵ میلیون تومان بود اما در نهایت من ۱۰ میلیون تومان خرج رفت و آمد کردم تا بتوانم پول قرار داد را بگیرم. حالا در این گیر و دار باید کار خلا قانه هنری هم انجام دهم! این عکاس درباره بی مهری ها به عکاسان ادامه داد: داستان بی مهری ها به عکاسان بیشتر از هنرندان دیگر شاخه هاست چرا که مسئولان و مردم فکر نمی کنند عکاسی یک شاخه هنری است و آن را به عنوان یک مدیا و حتی شغل قبول ندارند و اجازه می دهند حق و حقوق عکاس را بخورند.

■ **بازبان تصویر درباره شهرم و مردمش حرف می زنم**

این عکاس با بیان اینکه از سال ۵۷ تا امروز به

### گزارش جلسه

### گزارشی از جلسه نقد و پژوهش شعر حوزه هنری خراسان رضوی

## درختی که حرف نمی زد

گروه ادب وهنر- پنجاه و پنجمین جلسهٔ

نقد و پژوهش شعر حوزهٔ هنری خراسان رضوی معرفی و نقد «درختی که حرف نمی‌زد» اثر مهدی حاتمی اختصاص

داشت که با سخنان مقدماتی شاعر آغاز شد. وی به سابقه شاعری اش اشاره کرد و گفت: من سرودن شعر را از حوالی دههٔ هشتاد با کارهایی در قالب کلاسیک شروع کردم و سپس در دورهٔ دانشگاه و بعد از آن به سمت شعر سپید کشیده‌شدم و در این دوره کار شعر بر ایام جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر شد.

احوال تو از دور نشیندن درداست
هر بار تو را اسپر ندیدن درداست
تا خانه‌ات از خانه‌ما راهی نیست
با این همه این دیر رسیدن درداست
پس از آن چند منتقد به نقد این مجموعه پرداختند.

■ **منتقد اول، درسی بختیاری**

به‌شاعر به‌خاطر انتشار این کتاب تبریک می‌گویم. چون کتاب اول است، نباید خیلی سخت گرفت، ولی چیزهایی را که به ذهنم می‌رسد مطرح می‌کنم. در این کتاب ملموس بود که شاعر قبل از این غزل می‌سروده و در شعر سپید با شاکلهٔ فکری غزل روبه‌روست. مثلاً از آرایه‌های رایج در شعر کلاسیک مثل تضاد استفاده کرده‌است. نکته‌ای که من خیلی در کتاب چشم‌نگشتم که ببینم شعرها حاصل تجربه‌های شاعر است یا نه. موقعیت‌های خاص در این کتاب زیاد نبود، موقعیتی که شاعر در یک موقعیت خاص است و رابطهٔ شاعرانهٔ خود و جهان را بیان می‌کند. حتی اسم بردن از شهر قوچان یا حاج قربان سلیمانی هم نتوانسته بود شعرها را خاص بسازد. شاعر نوعی طبیعت‌گرایی دارد، ولی ایرادی



که وجود دارد این است که دایرهٔ واژگانی شاعر محدود است. او چند بار از درخت و سنگ و شاخه استفاده می‌کند. حتی در مورد عناصر طبیعت. ما نمی‌توانیم یک شاعر صرفاً طبیعت‌گرا باشیم، ولی شاعر این مجموعه بیشتر طبیعت‌گراست، تا شاعر شهری باشد. درباره پایان‌بندی‌ها من بر این قائلم که شعر سپید بر خلاف شعر کلاسیک بهتر است که پایان‌بندی بهتری داشته باشد.

در این کتاب گاهی پایان‌بندی‌ها خوب است و گاهی بد. کار خوب دیگری که شاعر کرده، تلفیق سنت و مدرنیته است، از جمله در شعر شماره ۱۶ چون میخ که بر گرده درخت فرو می‌رود چکشی شدی بر این روزگار بر من

چیزی که مرا آذیت کرد، تکرار بعضی مضمون‌ها در چند شعر بود. نکتهٔ دیگری طبیعت‌گر است، این است که شعر معمولاً با سبتر عاطفی کلام سروکار دارد نه باوجه علمی آن. ولی در بعضی از این شعرها منطق شعری حاکم نیست. در باره فرم شعرهای آقای حاتمی باید گفت که ایشان معمولاً می‌داند که شعر باید کجا شروع شود و کجا پایان یابد. گاهی تشبیه‌هایی هست که ارتباط‌هایشان قدری بعید به نظر می‌رسد و این خوب

■ **منتقد سوم، علی رضا جهانشاهی**

من می‌خواهم تعریفی دیگر هم به آن اضافه کنم. از منظر من، شعر یا مدتی که با فرمول‌های از پیش تعیین‌شده ساخته می‌شود، ولو اینکه آن آرایه یا تکنیک درست‌هم به کار گرفته شده باشد، نخله‌ای از تصنع است. این شعر اصالت ندارد، بدل است. فلسفهٔ وجودی شعر آزاد این بوده که در حین تشکیل، زبان، ساخت، موسیقی، محتوا و کلمات خودش را برمی‌گزیند. شعر

آگاهی‌اتفاق می‌افتد. مثلاً در عبارت «روی سر درخت کلاه پاییز / خیابان را روشن کرده‌است» ترکیب «کلاه پاییز» صرفاً یک حربهٔ ادبی برای جلب توجه مخاطب است و چیزی از اصالت شعر باخود ندارد. اما در مورد مجموعهٔ «درختی که حرف

نمی‌زد» دوتویزی بارز دیده‌می‌شود: اول اینکه پشت این کتاب یک انسان با ایده‌ها و اندیشه‌های مختص به خودش ایستاده و دوم اینکه گرایش به طبیعت و نیز مضامین عاشقانه در این کتاب پررنگ است. در انتها باید بگویم: ما در این مجموعه در ضمن کاستی‌هایی که ذکر شد، با پارهای زیبا و قابل توجهی هم روبه‌رو بودیم که اثر را قابل تأمل می‌کرد. جلسه با شعر خوانی شاعر گرمی‌خانم زهراناصری، همسر آقای مهدی حاتمی پایان‌یافت که طرح‌جلد و صفحه‌آرایی کتاب هم با وی بوده‌است.

## ادبیات وهنر

### نقد و معرفی کتاب

**دکتر جلال خالقی مطلق- هاشبورگ**

مدیر کانون فردوسی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی

«**رژنامهٔ کنیزک**»

### تیری آرش وار در عرصهٔ حماسه‌پژوهی



از میان چهار رکن مهم ادب فارسی، یعنی ادب روایی، ادب تغزلی، ادب عرفانی و ادب اخلاقی، رکن نخستین و به‌ویژه گونهٔ حماسی آن بیشترین و دیرینه‌ترین پیوند را با ادب دوران کهن در پیش از تاریخ اسلام می‌دارد، تا آنجا که می‌توان گفت بخش مهم این ادب حماسی، بیشتر بازنویسی و بازسرایی ادب کهن است تا آفرینش‌های نوینباد. در سال‌های اخیر، در کنار پیرایش‌متن شاهنامه که در مرکز ادب حماسی ایران‌شهر (= ایران تاریخی) قرار دارد، بسیاری از متون حماسی دیگر به زبان فارسی، چه منثور و چه منظوم، چه نوشتاری و چه شنیداری، چه هنری و چه توده‌ای، به‌همت اهل فن جامعهٔ پیرایش‌پوشیده و در دسترس خواهندگان آن نهداه شده‌اند. ولی از سوی دیگر، به حماسه‌های دیگر ایرانی که به زبان‌هایی غیر از فارسی سروده شده‌اند، چنان که باید و شاید توجه نشده‌است، و درحالی‌که این بخش از حماسه‌های ایرانی و به‌ویژه آنچه به زبان کردی / گورانی در دست است، گذشته از اهمیت ملی آن در پیوند تیره‌های ایرانی از منظر ادبیات، بلکه صرفاً از نگاه پژوهشی و ایرانی، دارای اهمیت بسزایی است. با توجه به همین نکته بود که از همان زمان که کانون فردوسی (مرکز پژوهش حماسه‌های ایرانی) وابسته به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به انتشار ریاست دانشور و دانش‌پروور آن، جناب آقای سید کاظم موسوی بجنوردی، آغاز به کار کرد و این، ناچیز به عنوان مدیر عامل کانون انتخاب گردید، پیرایش و نشر حماسه‌های ایرانی به زبان‌های غیر فارسی نیز در برنامه کار کانون قرار گرفت. اکنون جای بسی خرسندی و خشنودی است که یکی از مهم‌ترین آثار حماسی ادبیات کردی، یعنی روایت گورانی «رژنامهٔ کنیزک» به همت دانشمند کوشاو پژوهشگر نستوه، آقای دکتر آرش اکبری‌مفاخر که ضمناً خود معاونت کانون را نیز به عهده دارند، در جزوه انتشارات کانون فردوسی (شماره ۶) استاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. پیرایشگر این اثر، پس از معرفی دستنویس اساس خود و بحثی در پیرامون پیوند این حماسهٔ گورانی با

گزارش‌های دیگر در زبان‌های ایرانی کهن و میانه و نوین، و به‌ویژه مقایسه‌ای میان این حماسه و حماسهٔ پارتی الاصل یادگار زریران، متن روایت گورانی را بر اساس دستنویس موجود آن در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، ولی با توجه به دگر نوشت‌های آن در دوروایت دیگر این داستان، پیرایش کرده و با معیار زبان ادبی گورانی آوانگاری نموده‌است. پس از پیرایش متن، ترجمهٔ فارسی، یادداشت‌های توضیحی و واژه‌نامهٔ کتاب بخش‌های مهم دیگر کتاب را تشکیل می‌دهند. با کمک این بخش‌ها، خوانندگانی که بازبان کردی و گورانی آشنایی ندارند، نه تنها با متن این حماسهٔ دلپسند آشنا می‌گردند، بلکه در عین آگاهی با تحول باختری حماسه‌های ایرانی و شناخت هم‌خوانی هاو ناهم‌خوانی‌های آن با تحول خاوری آن، وسیلهٔ مهمی نیز در آموزش زبان گورانی و مقایسهٔ آن با زبان فارسی در دست دارند.

آقای دکتر آرش اکبری مفاخر سال‌ها بر سر پیرایش و ترجمه و توضیح این اثر رنج برده و جگر سوزانده و اکنون حاصل آن همه کوشش‌ادر کتابی به‌دوستداران حماسه‌های ایرانی عرضه‌شده، نه، پرتاب کرده‌است. انتشار این حماسهٔ ارزشمنده تنها گامی بزرگ در معرفی حماسه‌های ایرانی است، بلکه نیز کوششی است ستوده در راستای نزدیک‌تر کردن زبان و ادب اقوام ایرانی به یکدیگر و یادآوری پیوند تنگاتنگ این اقوام در هر کجا که باشند، در درون مرزهای ایران یا در بیرون از آن.

■ **آگهی مزایده عمومی**  
موضوع: واگذاری حق امتیاز بهره‌برداری و جمع‌آوری کلیه پسماندهای خشک محدوده منطقه ۴ و ثامن شهرداری مشهد (به جز ایستگاه‌های ثابت مبادله پسماند خشک)  
جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://ets.mashhad.ir مراجعه شود.  
تلفن تماس: امور قرارداده‌ها و پیمانهای شهرداری منطقه یازده  
۸-۰۵۰۲۸۶۹۴  
امور قرارداده‌ها و پیمانهای شهرداری منطقه یازده  
۱۹۶۰۳۲۲۱۸

■ **تجدید آگهی مزایده (نوبت دوم)**  
شهرداری نیشابور در نظر دارد بر اساس مصوبه شماره ۲۰/ش-۹۶/۱/۳۱ شورای محترم اسلامی شهر، مغازه های واقع در پایانه بایک کریمی را برابر جدول ذیل از طریق برگزاری مزایده برای مدت یکسال و به صورت اجاره بهانه صرفا برای استفاده صنوف خشکبار و مواد غذایی به بخش خصوصی واگذار کند ، بنابر این از تمامی متقاضیان دعوت به عمل می آید برای دریافت مهلت دریافت برگه پیشنهاد قیمت مزایده و سایر شرایط از تاریخ درج آگهی تا ۹۶/۳/۲۰ - آخرین مهلت تحویل پیشنهاد قیمت به دبیر خانه شهرداری :نایاب وقت اداری مورخ ۹۶/۳/۲۲ - محل دریافت اسناد: نیشابور - میدان امام - شهرداری نیشابور - امور حقوقی و قراردادها -تلفن :۰۵۱-۴۲۲۲۸۲۱۷

ردیف	شماره پلاک	مساحت(مترمربع)	اجاره ماهانه (ریال)	مبلغی که باید متقاضی به عنوان سررده به حساب شهرداری واریز کند.(ریال)
۱	۱	۳۲/۴۹	۴۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰
۲	۲	۲۸/۹۱	۳۸۰۰۰۰	۲۵۶۰۰۰۰
۳	۳	۳۰/۲۸	۳۸۰۰۰۰	۲۵۶۰۰۰۰
۴	۴	۳۰/۴۹	۳۸۰۰۰۰	۲۲۲۰۰۰۰
۵	۵	۲۹/۸۹	۳۵۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰
۶	۱۲	۱۲/۷۵	۳۸۰۰۰۰	۳۳۶۰۰۰۰
۷	۱۴	۷۵	۱۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰
۸	۱۵	۲۰/۲۴	۴۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰
۹	۳۱	۲۰/۵۵	۲۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰
۱۰	۲۴	۲۶/۳۱	۳۳۰۰۰۰	۲۳۶۰۰۰۰۰
۱۱	۲۵	۲۶/۸۵	۲۱۵۰۰۰۰	۲۵۸۰۰۰۰۰
۱۲	۲۶	۲۰	۲۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰
۱۳	۲۷	۱۸/۹	۲۱۰۰۰۰۰	۲۵۱۰۰۰۰۰
۱۴	۲۸	۲۶/۶۰	۲۲۰۰۰۰۰	۲۶۴۰۰۰۰۰
۱۵	۲۹	۲۶/۶	۲۲۰۰۰۰۰	۲۷۶۰۰۰۰۰
۱۶	۳۰	۲۶/۶	۲۴۰۰۰۰۰	۲۸۸۰۰۰۰۰
۱۷	۳۱	۲۶/۶	۲۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۸	۴۰	۱۱/۲۴	۲۰۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰۰۰
۱۹	۴۱	۵۶/۱۲	۲۵۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰۰۰
۲۰	۴۲	۵۶/۱۲	۲۵۰۰۰۰۰	۵۴۰۰۰۰۰۰۰
۲۱	۴۳	۲۱/۸۳	۲۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
۲۲	۴۴	۲۶/۸۱	۲۴۰۰۰۰۰	۲۸۸۰۰۰۰۰
۲۳	۴۸	۲۲	۳۰۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰۰۰۰
۲۴	۵۱	۲۲/۵۸	۲۱۰۰۰۰۰	۲۷۱۰۰۰۰۰۰
۲۵	۶۱	۱۰/۱۱۹	۱۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰۰
۲۶	۶۲	۳۰/۷۴	۴۰۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰۰۰
۲۷	۶۳	۳۲/۸۰	۴۱۰۰۰۰۰	۲۹۲۰۰۰۰۰۰
۲۸	۶۴	۱۴/۰۴	۲۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰۰
۲۹	۶۵	۱۶/۴۶	۲۱۰۰۰۰۰	۲۵۲۰۰۰۰۰۰
۳۰	۶۶	۱۹/۶۶	۲۳۰۰۰۰۰	۲۷۶۰۰۰۰۰۰
۳۱	۶۸	۲۹/۲۴	۲۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰
۳۲	۶۹	۲۸/۸۵	۲۶۰۰۰۰۰	۳۱۲۰۰۰۰۰۰
۳۳	۷۰	۲۹/۴	۲۸۰۰۰۰۰	۳۲۶۰۰۰۰۰۰
۳۴	۷۱	۲۸/۸۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۴۰۰۰۰۰۰۰
۳۵	۷۴	۳۱/۷۴	زیردری	۳۶۰۰۰۰۰۰۰



به گزارش ایسنا، کتاب «تاریخ و فرهنگ بابستانی ایرانیان و شاهنامه فردوسی» نوشته آصف خلدانی است که در پیوند با نژاد با شمارگان ۹۹۰ نسخه و قیمت ۴۲ هزار تومان، توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار شده است. ققنوس منتشر و راهی بازار شده است. ققنوس منتشر و راهی بازار شده است. ققنوس منتشر و راهی بازار شده است.

است: شاهنامه، پیش از آن که زنده‌کننده

زبان پارسی باشد، زنده‌کننده «عجم» یعنی هویت ملی و هستی سرزمین مردمانی است که در پیوند با نژاد و قومیتشان ارانشهر، شهر ایران و ایران زمین نامیده می‌شود. درباره شاهنامه اگر چیزی جز این گفته شود، کم‌مهری به کسی خواهد بود که برای بزرگی ایرانیان سی سال رنج و تلاش